



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان پایان نامه:

مقایسه تطبیقی جنون و اختلال روانی در لایحه اصلاحی قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات

اسلامی

استاد راهنما:

دکتر محمود عمویی

استاد مشاور:

دکتر علی نجفی توانا

دانشجو:

محمد رضا کریمی

بهار ۱۳۹۲

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲

بخش اول: کلیات

مبحث اول: تعاریف.....	۱۱
گفتار اول: تعریف جنون.....	۱۱
گفتار دوم: تعریف اختلال روانی.....	۱۶
گفتار سوم: مقایسه تعریف جنون و اختلال روانی.....	۲۰
مبحث دوم: سابقه تقنینی.....	۲۳
گفتار اول: قانون ۱۳۰۴.....	۲۳
گفتار دوم: قانون ۱۳۵۲.....	۲۴
گفتار سوم: قانون ۱۳۷۰.....	۲۷
گفتار چهارم: تحولات لایحه در خصوص جنون پیش از تصویب نهایی.....	۳۱
گفتار پنجم: لایحه ۱۳۹۰.....	۳۴
مبحث سوم: مبانی.....	۳۹
گفتار اول: سابقه تاریخی رفتار با مجانین.....	۳۹
گفتار دوم: جنون و اختلال روانی در حقوق تطبیقی.....	۴۳
گفتار سوم: جنون و اختلال روانی در حقوق اسلام و مذهب شیعه.....	۵۰
بند اول: تاثیر جنون در مجازات های تعزیری.....	۵۴

۵۵.....	بند دوم: تاثیر جنون در مجازات های حدی
۵۷.....	بند سوم: تاثیر جنون در مجازات های مشمول دیات
۵۷.....	بند چهارم: تاثیر جنون در مجازات های مشمول قصاص
۵۹.....	مبحث چهارم: نقش اراده و قوه تمییز در مسئولیت کیفری
۶۰.....	گفتار اول: تعریف و مبانی اراده
۶۲.....	گفتار دوم: موارد در حکم فقدان اراده
۶۴.....	بند اول: استعمال مواد مخدر در لایحه و قانون
۶۹.....	بند دوم: مستی در لایحه و قانون
۷۲.....	بند سوم: خوابگردی در لایحه و قانون
۷۵.....	گفتار سوم: قوه تمییز

بخش دوم: مسئولیت کیفری افراد مجنون و دارای اختلال روانی

در قانون مجازات و لایحه

۸۳.....	مبحث اول: مفهوم و مبانی مسئولیت کیفری
۸۷.....	گفتار اول: عمومیت یافتن مسئولیت کیفری در لایحه و قانون
۸۹.....	گفتار دوم: اهلیت جنایی و اسناد کیفری
۹۱.....	گفتار سوم: اختلال روانی و جنون و تاثیر آن بر مسئولیت کیفری
۹۶.....	مبحث دوم: وجوه اشتراک و اختلاف در قانون و لایحه
۹۶.....	گفتار اول: تاثیر وضعیت روانی در تخفیف مجازات تعزیری
۹۷.....	گفتار دوم: تعیین نوع جنایت مجنون در لایحه و قانون از نظر عنصر معنوی
۹۸.....	گفتار سوم: فاعل معنوی در لایحه و قانون

- گفتار چهارم: حمایت کیفری از حقوق مجانین ۱۰۰
- مبحث سوم: دادرسی و اثبات جنون ۱۰۳**
- گفتار اول: کارشناسی و نقش پزشکی قانونی در اثبات یا عدم اثبات جنون ۱۰۳
- گفتار دوم: بار اثبات دعوی جنون در لایحه و قانون ۱۰۵
- بند اول: در فقه شیعه و حقوق اسلام ۱۰۸
- بند دوم: در حقوق تطبیقی ۱۰۹
- بند سوم: در رویه دادگاه های ایران ۱۱۰
- گفتار سوم: قاعده درء در لایحه و قانون ۱۱۳
- گفتار چهارم: نگهداری مجانین در لایحه و قانون ۱۱۶
- گفتار پنجم: صدور حکم جنون «برائت یا فقدان مسئولیت مجنون؟» ۱۲۰
- مبحث چهارم: وجوه اشتراک مواد ۵۱ و ۱۴۸ قانون و لایحه ۱۲۲**
- گفتار اول: جنون و احتساب جنون ۱۲۲
- گفتار دوم: جنون در لحظه وقوع جرم ۱۲۴
- مبحث پنجم: وجوه افتراق مواد ۵۱ و ۱۴۸ قانون و لایحه ۱۲۸**
- گفتار اول: درجه جنون ۱۲۸
- گفتار دوم: فقدان اراده ۱۲۹
- گفتار سوم: فقدان قوه تمییز ۱۳۱
- نتیجه گیری و پیشنهاد ۱۳۵**
- فهرست منابع ۱۴۸

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

چکیده

سنگ بنای حقوق جزا را رفتاری غیر قانونی به نام جرم تشکیل می دهد و ارتکاب جرم تنها از انسان قابل تصور است. زیرا جرم عبارت است از رفتاری ارادی که به نقض اوامر قانونی می انجامد و تنها موجودی که می تواند دارای اراده آگاه باشد، انسان است. حقوقدانان با این که در این موضوع اجماع دارند که تنها رفتار انسانی می تواند عنوان جرم به خود می گیرد، به این امر نیز اعتقاد دارند که ممکن است شرایط و خصوصیات در فاعل جرم وجود داشته باشد که مانع از قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به او شده و در نتیجه به عدم مسئولیت و مجازات او منجر شود یکی از این موارد عینی که در تمامی جوامع بشری نمودی عینی دارد عارضه ای به نام جنون و بیماری های روانی است، افرادی که یا اراده سالمی ندارند و یا به ماهیت و پیامدهای اعمال خود آگاه نیستند. این گونه افراد در صورتی که مرتکب جرم شوند مورد خطاب قانون قرار نمی گیرند و مسئولیت کیفری ندارند، اسلام از بدو تولد به این مسئله وقوف داشته و بار مسئولیت را از مجانین برداشته است و این از افتخارات حقوق اسلام است که از ۱۴۰۰ سال قبل به این درجه از تکامل رسیده است. قوانین جزایی ایران نیز از ابتدا مسئولیت کیفری مجنون را مورد توجه قرار داده و هر یک با توجه به رویکرد خود نسبت به جنون و اختلال روانی قوانینی تصویب کرده اند که در آخرین آن، یعنی در لایحه اصلاحی فقد اراده یا قوه تمییز را ملاک عدم مسئولیت قرار داده است که هم تعریف اهلیت جنایی و هم تعریف عنصر معنوی جرم است. در این موضوع یعنی لایحه اصلاحی قانون مجازات اسلامی تحقیقات نوینی انجام نشده و این تحقیق در نوع خود جدید است.

واژگان کلیدی: قانون، لایحه اصلاحی، جنون، اختلال روانی، اراده، قوه تمییز

مقدمه

قانونگذاری فرایندی پیچیده ای است و عوامل فرهنگی و تمدنی بر آن موثر است قانونگذار می بایست به افقهای دور دست نگریسته و از زمان و مکان حاضر جلوتر باشد، تا قوانین با گذر روزگار به سرعت کهنه نشده و بتوان مدت ها از آن استفاده کرد و دستگاه قضایی نیز بتواند ضعف های آن را جبران ، رویه متناسب با آن شکل بگیرد، علت این که به تداوم قانون اعتقاد داریم این است که قانونی که به سرعت تغییر کند مانع شکل گیری رویه قضایی و نقد رویه قضایی (دکترین) می شود و هر دوی این موارد منتج به فقر حقوق می شود، البته اگر قانونی مناسب نبوده و با مقتضیات علمی و شرایط اجتماعی همخوانی نداشته باشد ، همان بهتر که به سرعت تغییر کرده و با قوانینی که مبتنی بر پژوهش های نوین می باشد همسو شود.

اولین قانون مجازات ایران در سال ۱۳۰۴ به تصویب رسید و تا قانونگذاری بعدی یعنی ۱۳۵۲ به مدت نزدیک پنجاه سال در کشور به اجرا در آمد، و تجربیات استفاده از آن و استفاده از پیشرفت های علمی ، منجر به قانون سال پنجاه و دو گردید که به طور کامل با قانون قبلی متفاوت بود ، قانون سال ۱۳۵۲ دیری نپایید و مجال زیادی نیافت، با شروع انقلاب اسلامی خصوصا اینکه بنیان گذاران نظام جدید مدعی برتری اسلام در تمامی زمینه ها و خصوصا حقوق کیفری بودند پس از انقلاب دیدگاه قانونگذار به تبعیت از شرایط جدید به طور کلی تغییر کرد و تمام موازین حقوقی خصوصا در مباحث کیفری تغییر کرد، قانونگذار تمامی دستاوردهای قبلی را به یکباره رها کرد و برای اولین بار در تاریخ یک دوره کامل قانونگذاری کیفری با محوریت شرع و ترجمه کتب فقهی را پایه گذاری کرد که حاصل آن سه دوره قانونگذاری است. قوانین سال ۶۱ و ۷۰ بر همین مبنا تصویب و اجرا شد به کرات در خصوص قوانین فوق بحث شده و مطالب زیادی نوشته شده متاسفانه این قوانین به صورت آزمایشی تصویب می شود و مدت آن پنجساله است که قابل تمدید می باشد این اقدام انتقاد آمیز

است و شاید نشانگر عدم اعتقاد قوه مقننه به قوت قوانین مصوب است که باعث می شود اقدام به تصویب قوانینی موقتی و آزمایشی بزند، زیرا اگر قوانین ما حاصل اندیشه اندیشمندان و حاصل تفکرات مصلحان اجتماعی باشد آنگاه به آن ها عنوان آزمایشی داده نخواهد شد. نمونه آن قانون مدنی است که از ابتدا با کار درست و بر مبنای صحیح پایه گذاری شده و ۸۶ سال از تصویب آن می گذرد و همچنان استوار و پابرجاست. در علوم جنایی هر چند مانند حقوق مدنی نمی توان به پایداری آن به علت تغییرات سیاسی و اجتماعی و پیشرفت های علمی امیدوار بود اما می توان با کارشناسی و با نگرش به افق های آینده و با عنایت به پژوهش های دانشگاهی از تغییرات پیاپی جلوگیری نمود.

در بحث جنون در لایحه اصلاحی قانون مجازات اسلامی خصوصاً در باب تعریف با تغییرات اساسی مواجه گردیده است و افراد دارای اختلال روانی که در لحظه ارتکاب جرم فاقد اراده یا قوه تمییز باشند را فاقد مسئولیت کیفری داشته است.

بارها در روزنامه ها می بینیم که افرادی که مرتکب جنایات شدیدی گردیده اند و باعث تنفر و توحش اذهان عمومی گردیده اند، اعلام می کنند که کسی به آن ها دستور می داده است و یا این که در اختیار خود نبوده اند، آیا با این تعریف جدید می توان تصور نمود که وضعیت چنین افرادی در دادرسی کیفری بهتر شده است؟

پاسخ به این سؤال و این که آیا سیاست جدید در قانون اصلاحی به سمت مضیق تر شدن موضوع رفته یا خیر؟ به تفصیل در این رساله مورد بررسی قرار می گیرد. در قانون قبلی و در تعریف مسئولیت به اجمال به جنون به هر درجه بسنده گردیده بود. اما در واقع و در عمل دادگاه ها خصوصاً در پرونده های قتل عمد که به واقع می توان گفت رسیدگی افتراقی با سایر انواع رسیدگی به جرایم صورت می پذیرد، برخوردی دیگر با موضوع داشته و در عمل اراده و قوه تمییز را ملاک عمل قرار می دهند، رویه قضایی به تفصیل در این پایان نامه آورده شده

و مورد تحلیل قرار گرفته است، به نحوی که می توان گفت این تحقیق را با سایر موارد مشابه متمایز ساخته است.

نباید از نظر دور داشت که به علت فجیع بودن اعمال برخی از مجرمین که دارای اختلال روانی هستند رویه قضایی و افکار عمومی با هر گونه سهل شمردن موضوع مقابله کرده و آن را قبول نخواهد کرد و در واقع حتی اگر قانونگذار اقدام به آسان کردن دفاع جنون نماید، دادرسان و قضات دادگاه عالی در مقابل آن خواهند ایستاد. دلیل این مدعی همین بس که از سال ۱۳۷۴ لغایت ۱۳۸۷ یعنی طی ۱۴ سال تنها ۲ پرونده با موضوع جنون به هیات عمومی اصراری دیوان عالی کشور ارجاع شده است.^۱ از این تعداد فقط یکی منتج به صدور رای شده که در آن حکم به قصاص فرد مبتلا به اسکیزوفرنیا شده است و دیگری به علت ایراد شکلی قابل طرح تشخیص داده نشده است. این امر ثابت می کند دفاع جنون در حقوق ایران دفاعی شناخته شده نمی باشد و دفاعی بسیار ضعیف بوده و احتمال موفقیت این دفاع در پرونده های کیفری با اهمیت مانند قتل عمدی بسیار کم است.

در مسائل فرعی مرتبط باعث، مجاز شدن دفاع «بی ارادگی» حاصل از مواد مخدر شاهد نگرش جدید قانونگذار به مسائل هستیم، که البته سابقه فقهی، دکترین و رویه قضایی آن را نباید نادیده انگاشت، اما آیا در جامعه ای که مواد روان گردان در آن به وفور یافت می شود چنین برداشتی صحیح است؟

وقتی مکرراً می شنویم که قتل های خانوادگی بر اثر استفاده از قرص های روان گردان صورت می پذیرد چنین سیاست سهل گیرانه ای درست و صحیح به نظر می رسد؟ لازم به توضیح است که استفاده از چنین موادی بسیار راحت تر و سریع تر از هر گونه اختلال روانی فرد را در معرض فقد اراده و قوه تمییز قرار می دهد که در این تحقیق به آن توجه خواهد شد.

^۱ دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور مذاکرات و آراء هیات عمومی، تهران، دیوان عالی کشور اداره وحدت رویه و نشر طی ۱۴ مجلد از ۱۳۷۴ لغایت ۱۳۷۸

در این رساله سعی شده که به موضوع با دیدی حقوقی و کمتر روانپزشکانه مورد بررسی قرار گیرد زیرا موضع این تحقیق در اساس تغییرات قانونی بوده است البته به فراخور بحث ها از منابع علمی روانپزشکی نیز استفاده شده است. جهت تلطیف بحث قسمت هایی از کتاب تاریخ جنون میشل فوکو فیلسوف و اندیشمند بزرگ فرانسوی را که در مقدمه کتابش «تاریخ جنون» آورده است می آوریم:

«میشل فوکو در مقدمه کتاب تاریخ جنون خود می گوید: «پاسکال می گفت: «دیوانگی بشر آن چنان ضروری است که دیوانه نبودن خود شکل دیگری از دیوانگی است،» و داستایوفسکی در دفتر خاطرات یک نویسنده نوشته است: «برای آن که از عقل سلیم خود مطمئن شویم راه چاره آن نیست که همسایه مان را محبوس کنیم».

تاریخ این شکل دیگر دیوانگی را بایندگاشت، شکل دیگری که در آن، خرد حاکم انسان، همسایه او را محبوس می کند و انسان ها از طریق این عمل، و با واسطه ی زبان بیرحمانه نادیدنی با یکدیگر رابطه برقرار می کنند و وجود یکدیگر را به رسمیت می شناسند.»^۱ و در ادامه آورده: «انسان مدرن در قلمرو آرام و بی کشمکی که در آن جنون بیماری روانی تلقی می شود، دیگر با دیوانه گفتگویی ندارد: در یک سو انسان عاقل جای دارد که پزشک را به نمایندگی از خود به سوی مجنون می فرستد و بدین ترتیب هر نوع رابطه با جنون را خارج از کلیت مجرد بیماری، ناممکن می کند. در سوی دیگر دیوانه جاری دارد که با غیر خود، تنها با میانجی خردی که آن هم مجرد است ارتباط حاصل می کند: خردی که در نظم، بند های جسمانی و اخلاقی فشار بی نام و نشان گروه و ضرورت تطبیق با هنجارها و معیارهای حاکم، متجلی می شود. بین آن دو زبان مشترک وجود ندارد یا بهتر است بگوییم دیگر وجود ندارد. تلقی جنون به مثابه بیماری روانی در اواخر قرن هجدهم، خبر از گفتگویی قطع شده است، نشان آن بود که جدایی عقل و جنون امری محقق است و سبب شد آن کلمات ناکامل و فاقد قواعد ثابت

^۱ میشل فوکو- تاریخ جنون- ترجمه فاطمه ولیانی - تهران انتشارات هرمس ۱۳۹۰ ص ۱

نحو، که با لکننت ادا می شوند و ارتباط میان دیوانگی و عقل با واسطه آن ها صورت می گرفت، به بوته فراموشی سپرده شوند.

زبان روانپزشکی که تک گفتار عقل درباره جنون است، جز در چنین سکوتی نمی توانست ایجاد شود»^۱.

و در انتها آورده است: «در عصر کنونی، برداشت ما از جنون در چنگ آرامش علمی است که از فرط شناختن جنون آن را فراموش کرده است. رسیدن از برداشت قرون وسطایی جنون به برداشت کنونی از طریق دنیای صورت گرفت عاری از تصاویر و تصورات قرون وسطایی و بی بهره از بینش اثباتی، در نوعی شفافیت خاموش که ساختاری عظیم و ساکن را به صورت نهادی بی صدا و عملی بی چون و چرا و معرفتی بی واسطه عیان می کرد. این ساختار نه به حیطة رنج و جدل تعلق داشت نه به قلمرو شناخت، نقطه ای بود که در آن، تاریخ در وضعیت تراژیکی که هم بانی تاریخ است هم نافی آن، ساکن مانده بود»^۲.

الف) اهمیت موضوع

از آن جایی که ارتکاب جرم یعنی نقض هنجارهای قانونی و اخلاقی اجتماع و نظر به این که هر گونه نقض در عقل و قوه تمییز، انسان را از درک هنجارها باز می دارد بنابراین مجانین و بیماران روانی در معرض ارتکاب جرم قرار دارند. از آن جایی که جنون موضوعی پزشکی حقوقی می باشد فلذا بررسی این موضوع از دیدگاه روانپزشکی و علم حقوق دارای اهمیت والایی است و در حقیقت جنون به عنوان یک دفاع کیفری مورد توجه دو علم حقوق و پزشکی است، زیرا بررسی طبیعت جنون در وادی علم روانپزشکی قرار داد و صدور حکم به مسئولیت یا فقدان مسئولیت مجنون نسبت به جرم ارتكابی اش در حین جنون با در نظر گرفتن

^۱ همان، ص ۳-۲
^۲ همان ص ۶

نظریه پزشکی قانونی در حیطه حقوق پزشکی می باشد و این موضوع ، یعنی ارتباط به علوم حقوق و پزشکی و لزوم مطالعه آن در وادی این دو علم، اهمیت مضاعفی به موضوع بخشیده است .

ب) انگیزه انتخاب موضوع:

برای هر رفتاری انگیزه ای لازم است. نگارنده نیز در مورد انتخاب جنون و اختلال روانی به عنوان موضوع پایان نامه بوده ام، بارها که به عنوان وکیل دادگستری در محاکم کیفری با متهمینی مواجه شده ام که برای دفاع از خود به سابقه اختلال روانی و بستری بودن خود در بیمارستان های روانی اشاره و برای اثبات آن مدارک پزشکی خود را به دادگاه ارائه کرده اند: در این گونه موارد بر ای من به عنوان وکیل شاکی یا متهم این سؤال به وجود می آمد که جنون یک «امتیاز» در دادرسی است؟ و این موضوع به شخصه برای نگارنده جذاب بوده است. با این حال اینجانب با قلم الکن و قاصر خویش با توجه به تازه بودن موضوع و خلاء دکترین در موضوع جنون در لایحه اصلاحی (با عنایت به این که لایحه جدید هنوز به مرحله اجرایی نهایی نرسیده است) سعی در تحلیل موضوع داشته ام، و تمامی تلاش خود را بکار بستم تا تحقیقی شایسته ارائه کنم، هر چند نگارنده به این امر واقف است و اذعان دارد که این کار تحقیقی وجیزه ای بیش نمی باشد.

ج) هدف تحقیق:

هدف از انجام این تحقیق، تفصیل و تشریح موضوع از دیدگاه روانپزشکی و حقوقی و مقایسه و تطبیق آن با نظام های حقوقی مورد مطالعه در جهت تقریب و استفاده از تجربیات علمی ، عملی و قانونگذاری این کشورها در قوانین جزایی کشورمان و تلاش در جهت روشن تر شدن رویکرد جدید قانونگذار در خصوص جنون و اختلال روانی است.

د) سؤالات تحقیق؟

- ۱) آیا هر نوع اختلال روانی باعث منع مسئولیت کیفری می شود؟
- ۲) از نظر مسئولیت کیفری در لایحه اصلاحی چه تفاوتی ما بین اختلال روانی و جنون وجود دارد؟

- ۳) آیا در لایحه اصلاحی مسئولیت کیفری تقلیل یافته مورد پذیرش قرار گرفته است؟
- ۴) آیا در لایحه اصلاحی حمایت کیفری از مجانین صورت گرفته است؟

ر) فرضیات تحقیق:

- فرضیه اصلی: با عنایت به وجود شرایط فقدان اراده یا قوه تمیز قانونگذار معیار دشوار تری را برای منع مسئولیت کیفری قرار داده است.
- فرضیه جانشین: قانونگذار برای هر نوع از مجازات های حدی تعزیری قصاص و دیات نوعی مسئولیت با توجه به نوع جرم تعیین کرده است.

ز) روش تحقیق:

روش تحقیقی که در این نوشتار از آن استفاده شده است ، تلفیقی از دو روش تحقیقی توصیفی می باشد و در حد توانایی علمی و عملی نگارنده سعی وافر شده که موضوع مورد نظر به صورت نظام مند و دقیق توضیح داده شده و ضمن تشریح آنچه که هست و تحلیل موضوع در دو علم روانپزشکی و حقوق در پایان کار تحقیقی نتایج عینی از آن گرفته شده و پیشنهادهایی ارائه شود.

و) مشکلات و منابع

مشکل اصلی این تحقیق فقدان تحلیل های جدید از قانون اصلاحی مجازات اسلامی است. نگارنده هیچ گونه منابع و مقالات جدیدی در خصوص لایحه اصلاحی نیافتیم و به اجبار از منابع موجود با نظر شخصی به نگارش این پایان نامه اقدام کرده ام از نظر منابع نیز در نگارش این پایان نامه در حد دسترس از کتب و پایان نامه های موجود در کتابخانه دانشکده و کتابخانه ملی و سایت های اینترنتی استفاده گردید. و با استفاده از برخی منابع که توسط اساتید ارجمند در اختیار اینجانب قرار گرفته است این کار تحقیقی نگاشته شده است.

ی) تقسیم بندی

این تحقیق در دو بخش تهیه شده است بخش اول به تعاریف و سابقه تقنینی و مبانی اختصاص دارد و بخش دوم به مسئولیت کیفری افراد مجنون و دارای اختلال روانی در لایحه و قانون اختصاص یافته است.

بخش اول:

کلیات

مبحث اول: تعاریف

با عنایت به این که موضوع این تحقیق «مقایسه تطبیقی جنون و اختلال روانی در لایحه اصلاحی قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی» می باشد قبل از این که به سابقه تقنینی و مبانی و سایر مباحث پردازیم لازم است تمایزات و ویژگی های هر یک از اصطلاحات «جنون» و «اختلال روانی» را در ابتدا روشن کنیم.

گفتار اول: تعریف جنون

از واژه جنون تعاریف و تفاسیر مختلفی گردیده است. معنای لغوی جنون عبارت است از جنون، واژه ای عربی و در فرهنگ های لغت عربی اصولاً به معنای زوال عقل و فساد آن آمده است. این واژه که در فارسی معادل کلمه دیوانگی است از ریشه جن به معنای پوشاندن و مستتر نمودن است و مجنون را از آن رو به این نام خوانده اند که عقل وی به طور تام یا نسبی مستور گردیده است.^۱ دانشمندان اسلامی نیز جنون را چنین تعریف کرده اند: غالباً جنون را اختلال در عقل تعریف کرده و مجنون را صفت کسی دانسته اند که در ارزیابی صحیح ادراکات و افکار خود اشتباه نموده و در مورد واقعیت های خارجی، حتی در مقابل قرائن متضاد استنباط های نادرستی دارد، به گونه ای که جریان افعال و سخنان وی در غیر از موارد نادر، خارج از مدار عقل است.^۲ می بینیم که جنون جنبه سلبی دارد اگر به متضاد آن که عقل است بنگریم عقل را «خرد» و تعریف لغوی آن «نوری روحانی است که نفس آدمی می تواند به کمک آن اموری را دریابد که با حواس قادر به درک آن نتواند بود»^۳ تعریف کرده اند. به

^۱درید موسوی مجاب نقش اراده در مسئولیت کیفری تهران بهنامی ۱۳۸۸ ص ۱۹۶
^۲میر سید شریف جرجانی التعریفات به نقل از: محمد هادی صادقی، حقوق جزایی اختصاصی، تهران میزان ۱۳۷۶، ص ۲۰۸

^۳مسعود انصاری محمد علی طاهری دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، محراب فکر ۱۳۸۴، ص ۱۳۸۳

طور کلی عقل قدرتی است که فرد را در جامعه و محیط زندگی سازگار می کند و وی را قادر می کند در جامعه مطابق هنجارها زندگی کند.

برخی تعاریف از جنون بسیار ساده است «مجنون آن که عقل وی زایل یا فاسد شده باشد»^۱ در نظر علم روانشناسی جنون یعنی «اختلال شدید شخصیت که در آن تماس بیمار با دنیای واقعی قطع می شود و معمولاً همراه با هذیان ها و اوهام شدید حسی است و بیمار معمولاً احتیاج به بستری شدن دارد»^۲

در دایره المعارف روانشناسی در تعریف جنون آمده است: به طور مطلق دیوانه کسی است که عقل خود را از دست داده و از نظر روانشناسی، ناتوانی کامل اعمال روانی است و علت اصلی آن ضایعه عضوی و مغزی و بهم خوردن دستگاه روان است و از دست دادن شخصیت^۳ . در علم روانپزشکی نیز جنون به این شکل تعریف شده است: «جنون معادل روانپریشی، بیماری وخیم روانی است که به واسطه آن جریان فکر، اندیشه، کردار، احساس، و اعمال از راه صواب و عادی منحرف می شود، جنون معمولاً با علایمی نظیر از دست دادن تماس با واقعیت، اختلال ادراک، پیدایش سلوک کودکانه و قهقراپی، کاهش نیروی مهار کننده محرک ها و تمایلات اولیه و بروز افکار غیر عادی که شامل انواع هذیانها و توهمات می شود، مشخص می گردد. همچنین امکان دارد انحطاط اخلاقی و ضعف کلی و مزمن در شخصیت بیمار بوجود آمده و موجب بستری شدن بیمار در بیمارستان روانی گردد.»^۴

بر خلاف تعاریف فوق که جنون را نوعی بیماری می داند در منبعی دیگر چنین آمده است: «در پزشکی امروز جنون به بیماری خاصی دلالت نمی کند و آن چه در پزشکی سنتی درباره

^۱ لغت نامه دهخدا جلد ۴۲ ص ۴۷۷

^۲ سعید حکمت روانشناسی جنایی دانشگاه تهران ۱۳۷۴ ص ۳۸۳ به نقل از موسوی مجاب پیشین ص ۲۰۵

^۳ عنایت ا... شکبیا پور دایره المعارف روانشناسی ص ۱۹۹

^۴ غلامرضا بهرامی، فرهنگ لغات و اصطلاحات روانپزشکی و روانشناسی تهران ۱۳۴۵ ص ۱۹۰ به نقل از نعمت ا... نوشاوند تاثیر اختلال خلقی بر مسئولیت کیفری، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران ص ۱۰۴

جنون (بیشتر زیر عنوان مالیخولیا) مجموعه ای است از نشانه های عمومی یا اختصاصی که در طیف گسترده ای از بیماری های مغز و روان یافت می شوند. با این حال ، برخی از پزشکان قدیم کوشیده اند که انواع بیماری های روانی را از هم تفکیک کنند و علت ها و نشانه های هر یک را به دست بدهند، ابن سینا از میان رفتن کلی نیروی خرد را عقل باختگی و سستی گرفتن آن را کم خردی و علت این دو را سردی بخش پیشین مغز و یا خشکی یا تری آن می داند.

نوع سوم از پریشانی روانی، دگرگونی و آشفتگی عقل است که ابن سینا آن را پریشان خردی (اختلال العقل) می نامد. پریشان خردی خود بر دو نوع است: نوعی که بر وجود گونه ای آماس یا ماده صفراوی گرم و خشک دلالت دارد و با شرارت همراه است و جنون سبعی نامیده می شود نوع دیگر که دلالت بر وجود ماده ای سودا آوری دارد و با بدگمانی و اندیشه بد همراه است و آن را مالیخولیا می گویند.^۱

قانونگذار در ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی آورده است : «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه ای که باشد رافع مسئولیت کیفری است» استفاده از واژه جنون مورد انتقاد قرار گرفته است . تفسیری را که در طب بر جنون حمل می کنند غالباً از نظر حقوقی و فقهی قابل پذیرش نیست نه تفسیر مضیقی را که در طب قدیم ارائه داده اند قابل اعتماد است و نه تفسیر موسعی که علم پزشکی جدید ارائه می نماید بنابراین کلمه جنون نه تنها مفید نیست بلکه بکار بردن آن مضر نیز می باشد.^۲

عده ای نیز استفاده از واژه جنون را متروک می دانند : قانون مجازات اسلامی به تبعیت از منابع شرعی واژه «جنون» را بکار برده است در حالی که این واژه در عرف قانونگذاری

^۱دایره المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۸۶ جلد ۱۸ ص ۶۱۷
^۲سید حسن مرعشی بحثی پیرامون جنون مجرم www.haghgostar.ir ص ۶

بیشتر کشورها متروک مانده است و حتی در قوانین بعضی کشورهای عربی (به طور مثال

ماده ۸۳ قانون جزایی لیبی) نیز واژه ی «بیماری روانی» بکار رفته است.^۱

به طور کلی سه نوع تلقی در خصوص «جنون» موضوع ماده ۵۱ وجود دارد :

اول : گروهی عقیده دارند که جنون به معنای «کلیه اختلالات روانی» بوده است این نوعی تفسیر بسیار موسع می باشد . «آنچه مسلم است کلمه جنون بکار رفته در ماده فوق بایستی در معنی وسیع آن در نظر گرفته شود و تحت این عنوان کلیه اختلالات روانی را در نظر گرفت»^۲ و یا به طور کلی دیوانه کسی است که عقل خود را از دست داده و از نظر قضایی جنون را یک نوع اختلال روحی می دانند و از نظر روان شناسی ، ناتوانی کامل عملکرد روانی است که منشا آن را در بیماری ها و سایکوزهای عقب افتادگی و افسردگی و هیجان های سخت روانی جستجو می کنند.^۳ و نظری مشابه می گوید: جنون به معنی مصطلح کلمه عبارت است از افول تدریجی و برگشت ناپذیر حیات روان انسان، یعنی عدم توانایی درک احساس و اختیار ، بنابراین جنون در ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی تعبیر عامی دارد که به هر نابسامانی روانی شدید که قدرت تمییز و تشخیص و کف نفس را زائل کند اطلاق می شود.^۴ این گروه برای این عقیده هیچ گونه دلیلی ارائه نکرده اند.

دوم : گروه دوم عقیده دارند که جنون به معنای فقد اراده یا قوه تمییز می باشد اما برای عقیده فوق هیچ گونه دلیلی ندارند «جنون زوال عقل و شعور است در مفهوم خاص، جنون مبین نوعی زوال عقل و اختلال در قوای دماغی است. به طوری که اعمال مجنون فارغ از اختیار و اراده آزاد است. به طور کلی مفهوم جنون در ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی آن دسته از بیماری های روانی را شامل می شود که موجب سقوط قوه تمییز (تشخیص حسن و قبح اعمال)

^۱عباس زراعت، حقوق جزای عمومی تطبیقی فکر سازان ۱۳۸۴ ص ۸۸

^۲محمد اسماعیل افراسیابی ، حقوق جزای عمومی ، ج ۲، فردوسی ۱۳۷۷، ص ۱۱۱-۱۱۲

^۳موسوی مجاب پیشین ص ۱۹۶

^۴محمد علی اردبیلی حقوق جزای عمومی جلد ۲ نشر میزان ۱۳۸۵ ص ۷۹